

بسته دوم تحول: «اصلاح نظام بیمه اجتماعی؛ تحقق نظام چندلایه»

۱. مقدمه

در شرایطی که نظام‌های بازنشستگی کشور با بحران‌های مالی، پوشش ناکافی و نابرابری‌های فزاینده مواجه‌اند، بازنندیشی در معماری بیمه اجتماعی به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بدل شده است. الگوی «نظام چندلایه بیمه‌ای» با تکیه بر تنوع‌پذیری، انعطاف و هدف‌مندی، پاسخی نوین به این چالش‌هاست.

صندوق آینده‌ساز، با حفظ حقوق و وضعیت اعضای فعلی، در پی آن است تا الگوی چندلایه را برای اعضای جدید یا داوطلبان به صورت انتخابی طراحی و اجرا کند. این الگو نه تنها ظرفیت ارتقای عدالت و کارایی را دارد، بلکه فرصتی برای ایفای نقش پایلوت ملی در اصلاحات ساختاری نظام بیمه‌ای کشور فراهم می‌آورد.

گام نخست این تحول، تبیین مفهومی دقیق، طراحی ساختاری متناسب، و گفتمان‌سازی چندسطحی برای پذیرش و حمایت اجتماعی از این نظام نوین است، مسیر آینده‌ساز، از درون تجربه‌ای تدریجی، انتخاب‌محور و قابل توسعه آغاز می‌شود.

۱-۱. چالش‌های نظام تک‌لایه و ضرورت تغییر

مدل رایج بازنشستگی در ایران، عمدتاً بر یک الگوی تک‌لایه استوار است؛ الگویی که در آن، همه بیمه‌شدگان بدون توجه به تفاوت‌های درآمدی، شغلی و توان پرداخت، از یک ساختار یکنواخت پوشش برخوردار می‌شوند. این رویکرد، گرچه در مقاطع اولیه توسعه نظام تأمین اجتماعی توانسته است نقش قابل‌قبولی در گسترش پوشش ایفا کند، اما به مرور زمان و با پیچیده‌تر شدن نیازهای اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی، دچار فرسایش عملکردی شده است.

یکی از اصلی‌ترین چالش‌های این مدل، ناتوانی در پاسخ‌گویی به تنوع روزافزون نیازها و ترجیحات ذی‌نفعان است. در ساختارهای تک‌لایه، امکان انتخاب میان سطوح مختلف خدمات، یا امکان پرداخت بیشتر برای دریافت پوشش بهتر وجود ندارد. نتیجه آن است که افراد با شرایط و ظرفیت‌های گوناگون، ناچار به پذیرش یک الگوی واحد

می‌شوند که نه برای همه کافی است و نه برای صندوق مقرون به صرفه. از سوی دیگر، نبود لایه‌های مکمل و رفاهی، تمامی انتظارات درمانی، رفاهی و معیشتی را بر دوش لایه پایه می‌گذارد—امری که به افزایش فشار مالی، کاهش کارایی منابع، و ناترازی بلندمدت در صندوق‌ها منجر شده است.

توزیع غیرهدفمند منابع نیز یکی دیگر از پیامدهای این مدل است. در غیاب سازوکارهای متناسب‌سازی حمایت با سطح نیاز، منابع صندوق‌ها بعضاً به گروه‌هایی تعلق می‌گیرد که از حمایت کمتری برخوردار نیستند، در حالی که اقشار نیازمند، از دسترسی کافی به خدمات محروم می‌مانند. این بی‌عدالتی ساختاری، به تضعیف مشروعیت صندوق و فرسایش سرمایه اجتماعی آن انجامیده است.

در سطح کلان، پیامد چنین ساختاری، کاهش اعتماد عمومی به کارآمدی نظام بازنشستگی، افزایش انگیزه خروج از نظام بیمه‌ای، و شکل‌گیری فشارهای اجتماعی و سیاسی برای اصلاح فوری یا جبرانی است. صندوق‌های بازنشستگی که باید نقش ستون فقرات پایداری اجتماعی را ایفا کنند، در این وضعیت بیش از پیش به نهادهایی پرهزینه و کم‌اعتماد بدل می‌شوند.

بررسی تجربه کشورهای پیشرو در اصلاح نظام بازنشستگی نیز مؤید این ناکارآمدی است. اغلب این کشورها، با پذیرش محدودیت‌های مدل تک‌لایه، به سمت طراحی نظام‌های چندلایه حرکت کرده‌اند، الگوهایی که در آن، لایه پایه به صورت عمومی عمل می‌کند، و در کنار آن لایه‌های مکمل، حرفه‌ای و داوطلبانه، امکان پوشش بهتر، مشارکت بیشتر و انطباق بالاتر با نیازهای متنوع را فراهم می‌آورد.

در چنین بستری، عبور از الگوی تک‌لایه نه به معنای حذف ساختار موجود، بلکه به منزله افزودن گزینه‌هایی منعطف، عادلانه و پایدار برای نسل جدید اعضا و کارفرمایان داوطلب است؛ گزینه‌ای که صندوق آینده‌ساز باید در طراحی آن پیشگام باشد.

۲-۱. فرصت‌های ساختاری صندوق آینده‌ساز برای اجرای پایلوت نظام چندلایه

صندوق حمایت و بازنشستگی آینده‌ساز از جمله نهادهایی است که به واسطه ویژگی‌های خاص خود، ظرفیت منحصربه‌فردی برای تجربه‌گری در حوزه اصلاحات ساختاری نظام بیمه‌ای کشور دارد. ترکیب جمعیتی متنوع اما کنترل‌پذیر، استقلال نسبی از منابع عمومی، ساختار چابک مدیریتی، و تجربه‌های گذشته در طراحی و اجرای مدل‌های مشارکتی، این صندوق را در موقعیتی متفاوت نسبت به سایر صندوق‌های بازنشستگی کشور قرار داده است.

در مقایسه با صندوق‌های بزرگ ملی که با میلیون‌ها ذی‌نفع، تعهدات انباشته، و ساختارهای بوروکراتیک مواجه‌اند، آینده‌ساز از مقیاسی برخوردار است که امکان **طراحی، آزمون و اصلاح تدریجی مدل‌های نوین** را با هزینه اجتماعی و اجرایی پایین‌تر فراهم می‌سازد. جمعیت بازنشستگان و شاغلان تحت پوشش صندوق، هرچند به‌اندازه صندوق‌های سراسری نیست، اما از تنوع شغلی، درآمدی و منطقه‌ای کافی برخوردار است تا قابلیت تعمیم نتایج پایلوت به سایر گروه‌ها را نیز ممکن سازد.

از سوی دیگر، صندوق آینده‌ساز پیش‌تر نیز تجربه‌هایی در حوزه حکمرانی مشارکتی، طراحی نظام درمان تکمیلی، و همکاری با نهادهای نمایندگی ذی‌نفعان داشته است، تجربه‌هایی که می‌توانند در طراحی سازوکارهای انتخاب‌محور، اجرای مرحله‌ای، و جلب مشارکت جامعه هدف در مدل جدید، سرمایه‌ای ارزشمند تلقی شوند. همچنین، نبود وابستگی ساختاری به بودجه عمومی این امکان را فراهم کرده که صندوق در طراحی نظام چندلایه، چابک‌تر عمل کرده و در هماهنگی با نهادهای ملی، الگوی متفاوتی از تفکیک نقش دولت، صندوق و بازار را ترسیم کند.

در چنین شرایطی، پیشنهاد صندوق آینده‌ساز برای ایفای نقش **پایلوت ملی در طراحی و اجرای نظام چندلایه بیمه اجتماعی**، نه تنها معقول و ممکن، بلکه یک ضرورت برای سیاست‌گذاران است. آینده‌ساز می‌تواند با ایجاد یک مسیر مشخص برای اعضای جدید یا کارفرمایان داوطلب، مدل انتخابی چندلایه را تعریف و اجرا کند، مدلی که هم‌زمان به حفظ حقوق مکتسبه اعضای فعلی احترام می‌گذارد و افق تازه‌ای برای اصلاح تدریجی نظام بازنشستگی کشور می‌گشاید.

این ظرفیت ساختاری، اگر با حمایت قانونی، همراهی نهادی و برنامه‌ریزی دقیق همراه شود، می‌تواند آینده‌ساز را به نخستین میدان تجربه عملی، قابل ارزیابی و بومی‌سازی شده نظام چندلایه بیمه اجتماعی در ایران بدل سازد، تجربه‌ای که قابلیت انتقال به سطح ملی را نیز خواهد داشت.

۱-۳. اجتناب از تقابل با وضع موجود؛ تأکید بر انتخاب‌محوری و احترام به حقوق مکتسبه

یکی از پیش‌شرط‌های موفقیت هر اصلاح ساختاری، به‌ویژه در حوزه‌های حساس اجتماعی همچون بیمه بازنشستگی، حفظ ثبات روانی و اطمینان‌بخشی به ذی‌نفعان فعلی است. تجربه‌های ناکام اصلاحات گذشته، چه در ایران و چه در سایر کشورها، نشان داده‌اند که هرگونه تغییر شتاب‌زده، اجباری یا تقابلی با وضع موجود، نه تنها به مقاومت اجتماعی و نهادی می‌انجامد، بلکه سرمایه اعتماد عمومی را نیز به‌طور جدی تضعیف می‌کند.

بر این اساس، طراحی و اجرای نظام چندلایه بیمه اجتماعی در صندوق آینده‌ساز، به هیچ وجه نباید به معنای نفی ساختار فعلی یا جایگزینی فوری آن تلقی شود. مدل موجود، با همه کاستی‌ها، بخشی از «حقوق مكتسبه» اعضای کنونی است که باید با احترام کامل حفظ و ادامه یابد. در واقع، حرکت به سمت نظام چندلایه، نه حذف مسیر گذشته، بلکه افزودن گزینه‌ای نو برای آینده است، گزینه‌ای که تنها در اختیار اعضای جدید یا کارفرمایانی قرار می‌گیرد که با آگاهی و تمایل، خواهان بهره‌مندی از مزایای انعطاف‌پذیرتر، عادلانه‌تر و پایدارتر آن هستند.

تأکید بر «انتخاب‌محوری» در این فرآیند، راهبردی اساسی برای ایجاد فضای آرام، تقویت حس اختیار و جلوگیری از تضعیف سرمایه اجتماعی صندوق است. در این مدل، اعضای فعلی می‌توانند بر اساس نیاز، توان پرداخت، و ترجیحات شخصی، در یکی از مسیرهای موجود یا جدید قرار گیرند، بی‌آن‌که بیم آن را داشته باشند که حقوق‌شان تحت تأثیر قرار گیرد یا ساختار پیشین دچار فروپاشی شود.

از این منظر، طراحی نظام چندلایه باید بر پایه منطق «پیوست تدریجی» و «همزیستی الگوها» صورت گیرد. یعنی در کنار ادامه مسیر فعلی برای اعضای پیشین، ساختاری تازه برای ورود داوطلبانه ایجاد شود که هم قابل انطباق با نیازهای آینده باشد و هم امکان اصلاح تدریجی ساختار موجود را در بلندمدت فراهم آورد. چنین نگاهی، نه تنها با اصول عدالت و عقلانیت سازگار است، بلکه از منظر اجتماعی و ارتباطی نیز، ضامن پذیرش عمومی و کاهش تنش‌های احتمالی خواهد بود.

۴-۱. گفتمان‌سازی عمومی و تولید دانش به‌عنوان پیش‌نیاز تحول

اصلاحات ساختاری در نظام‌های بیمه‌ای، تنها از مسیر طراحی فنی یا تصویب مقررات قابل تحقق نیستند؛ بلکه پیش از هر چیز نیازمند شکل‌گیری یک فهم مشترک، اقناع اجتماعی، و اجماع نهادی پیرامون چرایی، چیستی و چگونگی تغییرند. بدون فراهم آمدن این بستر گفتمانی، حتی دقیق‌ترین طرح‌ها نیز یا به مرحله اجرا نمی‌رسند یا در میانه راه با مقاومت‌های گسترده و بی‌اعتمادی عمومی مواجه می‌شوند.

در مورد نظام چندلایه بیمه اجتماعی، این نیاز دوچندان است. از یک سو، این الگو مفهومی نسبتاً جدید در فضای سیاستی کشور محسوب می‌شود و هنوز درک روشنی از تفاوت آن با الگوهای رایج نزد عموم ذی‌نفعان و حتی بسیاری از مدیران میانی وجود ندارد. از سوی دیگر، حساسیت بالای موضوع بازنشستگی و دغدغه‌های طبیعی مردم نسبت به امنیت آینده، ایجاب می‌کند که هرگونه تغییر، با زبان قابل فهم، شفاف و اقناع‌کننده معرفی شود.

تبیین درست این الگو، نیازمند تولید محتوای آموزشی، تحلیلی و روایی متناسب با گروه‌های مختلف است—از مدیران صندوق‌ها گرفته تا اعضای شاغل، بازنشستگان، کارشناسان رسانه و تصمیم‌گیران ارشد. در این زمینه، صندوق آینده‌ساز می‌تواند و باید نقش فعالی ایفا کند. تولید مجموعه‌ای از گزارش‌های سیاستی، تحلیل‌های تطبیقی، روایت‌های مردمی، محتوای چندرسانه‌ای، و کمپین‌های ارتباطی هدفمند، می‌تواند ضمن افزایش آگاهی، فضا را برای پذیرش تدریجی نظام چندلایه آماده کند. این گفتمان‌سازی نباید محدود به درون صندوق باشد، بلکه باید به عرصه عمومی و فضای سیاست‌گذاری کشور نیز تسری یابد تا زمینه برای شکل‌گیری اجماع نهادی فراهم گردد.

همزمان، تولید دانش بومی درباره سازوکارهای اجرای تدریجی، تجربه‌نگاری از پایلوت‌ها، طراحی مدل‌های رفتاری برای انتخاب داوطلبانه، و تحلیل‌های ریسک‌محور نیز باید در دستور کار قرار گیرد. چنین رویکردی، صندوق آینده‌ساز را از یک نهاد صرفاً مجری، به نهادی سیاست‌گذار، آگاه‌ساز و پیش‌ران گفتمان بیمه‌ای کشور ارتقا می‌دهد، مسئولیتی که با توجه به موقعیت خاص صندوق، نه تنها ممکن، بلکه ضرورتی ملی است.

۲. اهداف بسته

۲-۱. طراحی و استقرار نظام چندلایه با قابلیت انتخاب داوطلبانه

نقطه آغاز تحول در نظام بیمه اجتماعی صندوق آینده‌ساز، طراحی و استقرار یک الگوی چندلایه با امکان انتخاب داوطلبانه برای اعضا و کارفرمایان است. در این الگو، به جای تحمیل یک ساختار یکنواخت به همه، سطوح مختلفی از پوشش در سه لایه پایه، مکمل و رفاهی طراحی می‌شود که اعضا می‌توانند بسته به نیاز، توان مالی و ترجیحات خود، در آن مشارکت کنند.

در این مدل، لایه پایه همچنان مسئولیت تأمین حداقل‌های معیشتی دوران بازنشستگی را بر عهده دارد و برای همه اعضا قابل دسترس است. لایه مکمل امکان ارتقاء سطح مستمری و برخورداری از خدمات استاندارد زندگی متناسب با دوره اشتغال را فراهم می‌کند، و لایه رفاهی نیز کیفیت زندگی را هدف قرار داده و خدمات تامینی و رفاهی متنوع مانند پرداخت‌های یکجا برای هزینه‌های موردی بیمه‌شدگان در زمان اشتغال یا بازنشستگی و سایر خدمات اجتماعی را ارائه می‌دهد. این تنوع، ضمن ارتقای عدالت و کارایی، پاسخ‌گوی ساختار جمعیتی متکثر و سبک‌های زندگی متنوع نسل‌های جدید خواهد بود.

برای اجرای موفق این مدل، فاز نخست به صورت پایلوت و با هدف ارزیابی عملی طراحی شده است. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که هرچه دامنه نمونه اولیه گسترده‌تر و متنوع‌تر باشد، اعتبار یافته‌ها و امکان تعمیم‌پذیری آن به سطح ملی بیشتر خواهد بود. بر این اساس، صندوق آینده‌ساز برآورد کرده است که جامعه پایلوت باید شامل حدود ۲۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ نفر از اعضای جدید و داوطلب باشد تا هم‌زمان تنوع و مقیاس لازم برای آزمون ساختاری مدل فراهم گردد.

جوامع هدف اصلی برای اجرای این پایلوت عبارت‌اند از:

۱. تمامی اعضای جدیدی که از سال ۱۴۰۴ به بعد وارد صندوق می‌شوند، از جمله کارکنان نسل جدید شرکت‌های بزرگ عضو

۲. شاغلان آزاد، پروژه‌ای یا فریلنسرهایی که داوطلبانه متقاضی عضویت هستند و تاکنون امکان عضویت نداشتند

۳. کارفرمایان خصوصی علاقه‌مند به ارائه بسته‌های بیمه‌ای متنوع‌تر برای جذب و نگهداشت نیروی انسانی

۴. کارکنان شرکت‌های تابعه صندوق آینده‌ساز (به‌عنوان جامعه پایش‌پذیر و دسترس‌پذیر برای آزمون‌های داخلی)

۵. اعضای فعلی‌ای که با امضای رضایت‌نامه و مشاوره قبلی، خواهان پیوستن داوطلبانه به مدل جدید هستند

برای پشتیبانی از این پایلوت، توسعه زیرساخت‌های دیجیتال جهت ثبت‌نام، شبیه‌سازی سناریوهای بازنشستگی، مقایسه مسیرهای مختلف و پایش داده‌های رفتاری ضروری است. همچنین، طراحی بسته‌های آموزشی برای مشاوران، نمایندگان کارفرمایی و رابطان صندوق در شرکت‌ها، مکمل اجرای فاز اول خواهد بود. این اقدام، در کنار بهره‌گیری از ظرفیت‌های ناظر مستقل، تحلیل‌گران و نهادهای دانشگاهی، می‌تواند صندوق آینده‌ساز را به نخستین الگوی عملی و قابل ارزیابی از اجرای نظام چندلایه در کشور تبدیل کند، مدلی که با انتخاب آغاز می‌شود، اما با مشارکت و تجربه‌گرایی، مسیر تحول ملی را هموار می‌سازد.

۲-۲. کاهش فشار بر لایه پایه و ارتقای پایداری مالی

یکی از ضعف‌های بنیادین نظام‌های تک‌لایه بازنشستگی، ناتوانی آن‌ها در تفکیک میان گروه‌های کم‌درآمد و پردرآمد است. این مدل، در ظاهر یکسان‌ساز و عادلانه به‌نظر می‌رسد، اما در عمل موجب **توزیع ناعادلانه منابع** و تشدید شکاف پنهان میان گروه‌های مختلف می‌شود. در واقع، یک نظام یک‌دست که همه را با یک متر می‌سنجد، ناخواسته یارانه‌های پنهانی را به گروه‌های برخوردار اختصاص می‌دهد و در مقابل، ظرفیت حمایت از اقشار واقعاً نیازمند را کاهش می‌دهد.

در ساختار فعلی صندوق آینده‌ساز، تمامی اعضا صرف‌نظر از توان مالی یا ترجیحاتشان، در یک مسیر واحد قرار گرفته‌اند. یک عضو با درآمد بالا و سابقه طولانی پرداخت، و یک عضو با حقوق حداقلی و سابقه کوتاه، هر دو از ساختار مشابه خدمات بازنشستگی و درمانی استفاده می‌کنند. این مدل نه تنها ناکارآمد است، بلکه در بلندمدت به نارضایتی هر دو گروه منجر می‌شود: گروه نخست خواهان خدمات متنوع‌تر و ارتقای سطح رفاه است، در حالی که گروه دوم در خطر حذف یا فرسایش حمایت‌ها قرار می‌گیرد، چرا که منابع صندوق بیش از توانش مصرف می‌شود. استقرار نظام چندلایه، دقیقاً برای حل این معضل طراحی شده است. در این ساختار، **لایه پایه** با ساختار بازتوزیعی مثبت وظیفه دارد صرفاً حداقل حمایت معیشتی و درمانی را برای همه تضمین کند، آن‌هم به‌صورت هدفمند، با تمرکز بر اعضای کم‌درآمد و فاقد پشتوانه‌های موازی. **لایه‌های مکمل** در مقابل، مسیرهایی هستند برای افرادی که توان پرداخت بیشتری دارند و خواهان سطح بالاتری از خدمات‌اند. این تفکیک، امکان می‌دهد تا منابع صندوق به‌جای پراکندگی، به‌درستی به گروه‌های کم‌برخوردار اختصاص یابد و بار مالی تعهدات غیرضروری بر لایه پایه کاهش یابد.

در چنین مدلی، اعضا و کارفرمایان برخوردار می‌توانند متناسب با ترجیحات خود از ظرفیت‌های منعطف نظام چند لایه برای بهره‌مندی از بسته‌های متنوع خدمات در ازای مشارکت معین استفاده کنند. این، هم به عدالت نزدیک‌تر است و هم به تقویت پایداری مالی صندوق کمک می‌کند، زیرا منابع موجود در لایه پایه دیگر صرف حمایت یکسان از همه نخواهد شد.

نظام چندلایه همچنین سازوکاری شفاف برای **جداسازی منابع بر حسب نوع و منشأ** ایجاد می‌کند؛ به‌گونه‌ای که بتوان منابع پایه را از منابع رفاهی (با منشأ داوطلبانه و اقتصادی) تمییز داد و سیاست‌گذاری متناسب با هر کدام را امکان‌پذیر ساخت. این تمایز، هم از منظر پاسخ‌گویی مالی، هم از نظر مدیریت ریسک و هم در بحث سیاست‌گذاری سرمایه‌گذاری، نقش حیاتی دارد.

در مجموع، کاهش فشار بر لایه پایه از طریق تفکیک مسیرهای خدماتی و مالی، گامی ضروری در تحقق دو هدف بنیادین است: **عدالت اجتماعی برای گروه‌های آسیب‌پذیر، و پایداری بلندمدت برای کل صندوق.**

۲-۳. هدفمندی توزیعی و ارتقای عدالت اجتماعی

یکی از کاستی‌های جدی نظام‌های بازنشستگی سنتی در ایران، به‌ویژه در قالب الگوهای تک‌لایه، توزیع غیردقیق و بعضاً ناعادلانه منابع بیمه‌ای است. در این ساختارها، خدمات بیمه‌ای و رفاهی بر اساس اصل یکسان‌نگری ارائه می‌شوند، در حالی که جامعه ذی‌نفعان از نظر درآمد، سبک زندگی، ظرفیت پرداخت و سطح نیاز، به‌شدت ناهمگون است. نتیجه چنین رویکردی، اتلاف منابع، فرسایش عدالت، و ناتوانی در پاسخ‌گویی مؤثر به نیازهای واقعی گروه‌های کم‌برخوردار است.

نظام چندلایه، این امکان را فراهم می‌سازد که سیاست‌گذاری‌ها بر اساس داده‌های دقیق و تحلیل‌های جمعیتی و اقتصادی بازطراحی شوند. در این الگو، حمایت‌ها نه تنها بر مبنای مشارکت، بلکه متناسب با سطح نیاز و ریسک هر فرد یا گروه تعریف می‌شوند. افراد با درآمد بالا و پشتوانه مالی می‌توانند از طریق لایه‌های مکمل و رفاهی خدمات گسترده‌تری را دریافت کنند، در حالی که صندوق منابع لایه معیشتی خود را بر تأمین امنیت بازنشستگی و سلامت اعضای کم‌برخوردار متمرکز می‌سازد.

در این راستا، طراحی بسته‌های خدماتی متناسب با گروه‌های هدف یک رکن کلیدی است. به‌جای تخصیص یارانه یکسان به همه، خدمات پایه با حمایت هدفمند برای گروه‌هایی مانند بازنشستگان حداقلی‌بگیر، زنان سرپرست خانوار، بیمه‌شدگان با سابقه کوتاه، و کارگران مشاغل غیررسمی ارائه می‌شود. هم‌زمان، لایه‌های دوم و سوم^۱ این امکان را به گروه‌های پردرآمد و شرکت‌های بزرگ می‌دهد تا با مشارکت بیشتر، هم خدمات بهتری دریافت کنند و هم نگران محدودیت‌های مربوط به نظام تک‌لایه بر گروه‌های پردرآمد نباشند.

افزون بر این، سازوکارهای مالی در نظام چندلایه می‌توانند با استفاده از مدل‌های مشارکت متقاطع (cross-subsidy) و ابزارهای تنظیم‌گر هوشمند (مثلاً مشوق‌ها یا معافیت‌ها)، پیوندی میان توان پرداخت و میزان حمایت ایجاد کنند؛ به‌نحوی که عدالت عمقی جایگزین یکسان‌سازی ظاهری شود.

در نظام پیشنهادی آینده‌ساز، هدفمندی تنها به سطح خدمت محدود نمی‌شود، بلکه در سطح حکمرانی نیز معنا پیدا می‌کند: امکان طراحی مقررات خاص برای گروه‌های خاص، مشارکت نمایندگان آنان در سیاست‌گذاری، و

طراحی داشبوردهای شخصی‌سازی شده برای مشاهده و مدیریت وضعیت بیمه‌ای، از جمله ابزارهایی است که می‌تواند عدالت را به تجربه ملموس تبدیل کند.

در نهایت، ارتقای عدالت اجتماعی در صندوق، نه با افزایش کلی حمایت‌ها، بلکه با ارتباط منطقی میزان مشارکت با بهره‌مندی و با جهت‌دهی هوشمند منابع به سوی کسانی که بیشتر به آن نیاز دارند تحقق می‌یابد. نظام چندلایه، بستر این هدف‌مندی را فراهم می‌کند، اگر مبتنی بر داده، تحلیل و انتخاب طراحی و اجرا شود.

۲-۴. ایفای نقش پایلوت ملی و الگوسازی برای کشور

صندوق حمایت و بازنشستگی آینده‌ساز به واسطه ویژگی‌های منحصربه‌فرد ساختاری و ترکیب خاص ذی‌نفعان خود، در جایگاهی ممتاز برای ایفای نقش پایلوت ملی در زمینه طراحی و اجرای نظام چندلایه بیمه اجتماعی قرار دارد. مقیاس قابل مدیریت، استقلال نسبی از بودجه عمومی، چابکی نهادی و تجربه‌های موفق در اصلاحات جزئی پیشین، این امکان را فراهم کرده است که آینده‌ساز به‌عنوان نخستین بستر آزمون عملی یک مدل نوین و بومی از بیمه بازنشستگی انتخاب شود.

این پیشنهاد، نه تنها یک ابتکار درون‌سازمانی، بلکه پاسخی سنجیده به یک نیاز فوری در سطح سیاست‌گذاری کشور است. نظام فعلی بازنشستگی در ایران با چالش‌های انباشته‌ای همچون ناترازی منابع و مصارف، کاهش شمول واقعی، و افت تدریجی اعتماد عمومی مواجه است و در چنین شرایطی، ایجاد یک مسیر اصلاحی تدریجی، آزمون‌پذیر و کم‌هزینه در ابعاد قابل کنترل، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌رود.

پایلوت پیشنهادی، با جامعه‌ای حدود ۲۰ تا ۳۰ هزار نفر از اعضای جدید، کارفرمایان داوطلب، شاغلان آزاد و کارکنان شرکت‌های تابعه آغاز خواهد شد. این جامعه، از یک‌سو تنوع لازم برای اعتبار تحلیلی و الگوسازی را دارد، و از سوی دیگر، در چهارچوب مدیریتی و نظارتی صندوق، به‌خوبی قابل پایش و تنظیم است. اجرای پایلوت، متکی بر طراحی ساختار بیمه‌ای جدید، راه‌اندازی سامانه‌های دیجیتال، تنظیم مقررات داخلی، بسته‌های آموزشی و تعریف شاخص‌های ارزیابی خواهد بود.

در عین حال، موفقیت این تجربه به پیش‌شرط‌هایی وابسته است که برخی از آن‌ها فراتر از اختیارات صندوق قرار دارد. از جمله، همراهی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در چارچوب سیاست‌گذاری کلان، و درک درست و حمایت ضمنی نهادهای قانون‌گذار برای تسهیل آزمون این تجربه در محدوده‌ای تعریف‌شده، می‌تواند

نقش مهمی در تثبیت مشروعیت و امنیت اجرایی پایلوت ایفا کند، بی آن که نیازی به ایجاد مداخله فوری در قوانین یا ساختارهای ملی باشد.

در کنار اجرا، صندوق متعهد خواهد بود به مستندسازی دقیق، گزارش‌دهی منظم و ارزیابی مستقل این تجربه، تا نتایج آن در اختیار سایر نهادهای سیاست‌گذار و صندوق‌های مشابه قرار گیرد. به این ترتیب، صندوق آینده‌ساز می‌تواند نه فقط در خدمت اعضای خود، بلکه در جایگاه یک «پیشرو آرام» در مسیر اصلاح ساختار بازنشستگی کشور ایفای نقش کند، مدلی تدریجی، بومی، قابل ارزیابی و برگرفته از تجربه عمل.

۲-۵. گفتمان‌سازی، آموزش و اقناع اجتماعی پیرامون نظام چندلایه

تحقق موفقیت‌آمیز نظام چندلایه بیمه اجتماعی، صرفاً یک فرآیند فنی یا اجرایی نیست؛ بلکه در بنیان خود، یک تغییر پارادایم در نگاه ذی‌نفعان، نخبگان و سیاست‌گذاران به مقوله بازنشستگی است. چنین تغییری، بدون شکل‌گیری یک فضای گفتمانی حمایتی و درک مشترک از ضرورت‌ها، اهداف و سازوکارهای نظام جدید، نه تنها با مقاومت مواجه خواهد شد، بلکه می‌تواند از درون، بی‌اثر یا نیمه‌تمام باقی بماند.

در شرایطی که مدل‌های سنتی بازنشستگی برای بسیاری از اعضا، مدیران میانی و حتی رسانه‌ها، به عرف ذهنی و نهادی بدل شده‌اند، ورود به یک ساختار نو همچون نظام چندلایه، نیازمند تبیین دقیق، ساده‌سازی مفاهیم و اقناع تدریجی مخاطبان مختلف است. مفاهیمی چون «انتخاب‌محوری»، «تفکیک لایه‌ها»، «حمایت هدفمند» و «پوشش مکمل»، اگر به‌زبان روشن، با مثال‌های کاربردی و از مسیر کانال‌های معتبر توضیح داده نشوند، ممکن است با سوءبرداشت یا بدبینی مواجه شوند.

بر این اساس، صندوق آینده‌ساز گفتمان‌سازی پیرامون این نظام را به‌عنوان یکی از ارکان تحول در نظر گرفته و متعهد است شبکه‌ای چندسطحی از آموزش، تبیین، گفت‌وگو و روایت‌سازی را طراحی و پیاده‌سازی کند. این شبکه، از یک‌سو شامل تولید محتوای آموزشی برای مدیران، کارشناسان، نمایندگان اعضا و فعالان رسانه‌ای است؛ و از سوی دیگر، متکی بر روایت‌های ملموس و مردمی از مزایای انتخاب داوطلبانه، تجربه موفق پایلوت، و ارزش واقعی انعطاف‌پذیری ساختار بیمه‌ای خواهد بود.

برگزاری کارگاه‌های آموزشی، نشست‌های تخصصی، کمپین‌های رسانه‌ای در بستر فضای مجازی، طراحی محتوای چندرسانه‌ای (ویدئو، موشن گرافیک، پادکست، بروشور)، و استفاده از زبان قابل فهم برای گروه‌های مختلف از جمله اقداماتی است که برای شکل‌گیری این گفتمان طراحی خواهد شد. همچنین، راه‌اندازی سامانه‌های تعاملی، امکان

شبیه‌سازی وضعیت بیمه‌ای در مدل‌های مختلف، و ارائه مشاوره‌های فردی در شرکت‌ها و نهادهای کارفرمایی، تجربه‌ای ملموس از این تحول را در اختیار اعضا قرار خواهد داد.

هم‌زمان، تعامل با نخبگان سیاست‌گذار، اندیشکده‌ها، مراکز دانشگاهی و رسانه‌های تخصصی نیز در دستور کار خواهد بود تا امکان شکل‌گیری یک اجماع فکری و نهادی پیرامون ضرورت، منطق و مزایای الگوی چندلایه فراهم شود. این گفتمان‌سازی، بستری استراتژیک برای جلب حمایت تدریجی نهادهای کلان، قانون‌گذاران و حتی افکار عمومی، بدون ورود زودهنگام به عرصه چالش‌برانگیز تصمیم‌گیری‌های بزرگ خواهد بود.

در نهایت، موفقیت پایدار این تحول، نه تنها در اجرای درست، بلکه در پذیرفته شدن تدریجی آن به‌عنوان یک ضرورت ملی و عقلانی رقم خواهد خورد و این پذیرش، از دل آموزش مستمر و گفت‌وگوی صادقانه پدید می‌آید.

۳. گام‌های کلیدی

تحقق نظام چندلایه بیمه اجتماعی در صندوق آینده‌ساز، مستلزم طی یک مسیر مرحله‌ای، هماهنگ و منعطف است؛ مسیری که نه با یک تصمیم ناگهانی، بلکه با آزمون‌های تدریجی، اصلاح‌پذیری مستمر و اجماع‌سازی میان ذی‌نفعان شکل می‌گیرد. گام‌های این مسیر به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که ضمن فراهم‌سازی زیرساخت‌های فنی و نهادی، از مسیر پایلوت آغاز شده و با حفظ حقوق موجود، امکان گسترش تدریجی به سایر گروه‌ها و نهادهای ذی‌ربط را فراهم آورد.

این گام‌ها در چهار محور اصلی سازمان‌دهی شده‌اند:

۱. طراحی و استقرار نظام چندلایه انتخاب‌محور
 ۲. بازمهندسی خدمات درمان و رفاه در چارچوب لایه‌ها
 ۳. الگوسازی پایلوت ملی و پیاده‌سازی ساختار ارزیابی
 ۴. گفتمان‌سازی عمومی و تقویت پشتوانه اجتماعی و نهادی
- در ادامه، این چهار محور به‌صورت تفصیلی و در قالب گام‌های کلیدی زیر تشریح می‌شوند.

۳-۱. طراحی نظام جامع چندلایه بیمه اجتماعی آینده‌ساز

طراحی نظام چندلایه در صندوق آینده‌ساز، نخستین و بنیادی‌ترین گام در مسیر تحول ساختار بیمه‌ای این نهاد است، تحولی که هدف آن، عبور از الگوی یکنواخت و ایستا به ساختاری متنوع، انتخاب‌پذیر و پایدار است که پاسخ‌گوی واقعیت‌های جدید اقتصادی، شغلی و اجتماعی اعضا باشد.

در این الگو، سه لایه اصلی تعریف می‌شود:

- **لایه پایه**، پوشش حداقلی و همگانی برای تأمین امنیت معیشتی بازنشستگان و برخورداری از خدمات درمانی اولیه

- **لایه مکمل**، با حق بیمه بالاتر و خدمات گسترده‌تر، متناسب با سطوح درآمدی اعضا و کارفرمایان

- **لایه رفاهی**، شامل خدمات اختیاری مانند پرداخت‌های موردی یکجا در زمان اشتغال یا بازنشستگی، درمان تکمیلی پیشرفته، بیمه عمر، خدمات سالمندی و حمایت‌های اجتماعی خاص

این ساختار، به گونه‌ای طراحی می‌شود که ضمن حفظ انسجام صندوق، امکان تفکیک منابع، ارزیابی مستقل هر لایه، و تصمیم‌سازی متناسب با نقش و هدف هر سطح از خدمات را فراهم کند. همچنین، پیش‌بینی می‌شود اعضا در طول دوره عضویت، با توجه به شرایط شغلی، درآمدی یا خانوادگی خود بتوانند میان مسیرهای مختلف جابه‌جا شوند یا خدماتی را افزوده یا کاهش دهند بدون آن‌که امنیت حقوقی یا پوشش حداقلی آن‌ها مخدوش گردد.

برای تحقق این طراحی، صندوق آینده‌ساز فرآیندی مرحله‌ای، دقیق و بین‌رشته‌ای را در دستور کار قرار داده است. این فرآیند، زیر نظر تیمی متشکل از متخصصان برجسته حوزه بیمه‌های اجتماعی، اکچوئری، حقوق اجتماعی و سیاست‌گذاری عمومی اجرا خواهد شد، و از آغاز، با هماهنگی کامل با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و در تعامل مشورتی با مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی همراه خواهد بود. این همراهی، به‌ویژه در تنظیم مدل‌های حقوقی، ارزیابی‌های مالی، و تطبیق الگو با الزامات سیاستی کشور نقش اساسی ایفا خواهد کرد.

مراحل کلیدی این فرآیند شامل موارد زیر است:

۱. تحلیل تطبیقی الگوهای بین‌المللی موفق در نظام‌های چندلایه
۲. بومی‌سازی مفهومی با شرایط حقوقی، مالی و جمعیتی صندوق
۳. تدوین سناریوهای عضویت، پرداخت و بازنشستگی در هر لایه

۴. طراحی مقررات و آیین‌نامه‌های داخلی برای راهبری، نظارت و پایش

۵. تدوین سند راهنمای انتخاب مسیر بیمه‌ای برای اعضای جدید و مشاوران کارفرمایی

طراحی این نظام، تنها یک اقدام فنی نیست؛ بلکه بستری برای شکل‌گیری گفت‌وگوی ملی پیرامون آینده بازنشستگی در ایران خواهد بود. تجربه آینده‌ساز، با اتکا بر دانش بومی، تخصص ملی و تعامل بین‌نهادی، می‌تواند پایه‌گذار مدلی شود که هم به اعتماد عمومی پاسخ می‌دهد، و هم به پایداری نظام‌های تأمین اجتماعی کشور کمک می‌کند.

۳-۲. بازمهندسی خدمات درمان و رفاه در چارچوب لایه‌ها

یکی از زمینه‌های عملیاتی کلیدی در تحقق نظام چندلایه، بازمهندسی ساختار خدمات درمانی و رفاهی صندوق است؛ حوزه‌ای که بیشترین تماس مستقیم با ذی‌نفعان را دارد و از حساسیت اجتماعی بالایی برخوردار است. طراحی چندلایه در این حوزه، به‌معنای ایجاد سطوح مختلف خدمات با تعهدات متفاوت است که بر اساس نوع عضویت، توان پرداخت و انتخاب فردی قابل تنظیم خواهد بود.

در گام نخست، چارچوب درمان پایه و تکمیلی که در سال ۱۴۰۴ به اجرا گذاشته شده، سنگ‌بنای این بازمهندسی است. این چارچوب، با تفکیک مشخص بین پوشش پایه (با تعهدات حداقلی و یکنواخت برای همه اعضا) و پوشش تکمیلی (با سقف‌ها، مشارکت‌ها و آزادی انتخاب بیشتر)، امکان استقرار مدل درمان چندسطحی را فراهم می‌کند. تجربه اجرای این طرح، زمینه‌ای عملی برای تعمیم اصل لایه‌بندی به سایر حوزه‌های رفاهی نیز خواهد بود.

بر اساس الگوی پیشنهادی، خدمات درمانی و رفاهی در سه سطح طراحی می‌شود:

- **سطح پایه**، شامل خدمات ضروری درمانی، حمایت‌های حداقلی دوران بازنشستگی، و بسته‌های حداقلی رفاه سالمندی، برای همه اعضا با پوشش یکسان
- **سطح مکمل**، با امکان انتخاب بسته‌های درمانی گسترده‌تر، حمایت‌های خانوادگی، یا خدمات پیشگیرانه، در قبال پرداخت حق بیمه بالاتر توسط عضو یا کارفرما
- **سطح اختیاری یا رفاهی خاص**، شامل خدمات ویژه‌ای چون بیمه مراقبت طولانی‌مدت، خدمات پرستاری در منزل، رفاه دیجیتال، مشاوره‌های سالمندی، سفرهای حمایتی و... که می‌تواند با مشارکت بخش خصوصی یا نهادهای عمومی دیگر ارائه شود

بازطراحی این خدمات، افزون بر ارائه تنوع، به صندوق امکان می‌دهد تا منابع خود را هدفمندتر تخصیص دهد. برای مثال، منابع لایه پایه که ساختار بازتوزیعی دارند برای تامین امنیت و معیشت گروه‌های کم‌برخوردار بسیار حیاتی است، در حالی که اعضای برخوردار با ورود به لایه‌های مکمل یا رفاهی، می‌توانند متناسب با میزان مشارکت خود خدمات شایسته‌ای دریافت کنند. به این ترتیب با تفکیک منابع و خدمات در لایه‌ها متناسب با ترجیحات و نیازهای مخاطبان همه مشترکان صندوق به سطح قابل قبولی از میزان رضایتمندی در مقایسه با ادامه وضع موجود دست خواهند یافت.

پیاده‌سازی این ساختار، نیازمند بازنگری در زنجیره تأمین خدمات، طراحی بسته‌های استاندارد، تنظیم قراردادهای متنوع با مراکز درمانی و رفاهی، و توسعه سامانه‌های ثبت، پردازش و مقایسه خدمات است. همچنین، تبیین دقیق تفاوت سطوح، به‌ویژه از طریق ابزارهای تصویری و مشاوره‌های چهره‌به‌چهره، نقش مهمی در پذیرش عمومی این مدل ایفا خواهد کرد.

در مجموع، بازمهندسی خدمات رفاه و درمان بر اساس منطق چندلایه، نه‌تنها تجربه‌ای نو برای اعضا رقم خواهد زد، بلکه به نقطه تلاقی عدالت، انتخاب و پایداری در نظام بازنشستگی آینده‌ساز بدل خواهد شد.

۳-۳. پیاده‌سازی پایلوت، طراحی نظام پایش و مستندسازی تجربیات

اجرای موفق نظام چندلایه بیمه اجتماعی در صندوق آینده‌ساز، مستلزم آن است که پیش از تعمیم عمومی، یک نمونه عملیاتی با ابعاد مشخص، جامعه هدف تعریف‌شده، و چارچوب اجرایی قابل کنترل طراحی و اجرا شود. این پایلوت، نه‌تنها به‌عنوان آزمونی فنی، بلکه به‌مثابه آزمایش میدانی یک مدل حکمرانی جدید عمل خواهد کرد که ابعاد اجتماعی، مالی، رفتاری و فناورانه آن باید به‌دقت رصد و تحلیل شود.

جامعه هدف پایلوت شامل ۲۰ تا ۳۰ هزار نفر از اعضای جدید، شاغلان آزاد متقاضی بیمه، کارفرمایان داوطلب، و کارکنان شرکت‌های تابعه صندوق خواهد بود. این جامعه از نظر تنوع درآمدی، شغلی، سنی و جغرافیایی به‌گونه‌ای انتخاب می‌شود که داده‌های حاصل از آن برای طراحی تعمیم‌یافته در آینده اعتبار و کفایت داشته باشد.

برای اجرای این پایلوت، مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ طراحی خواهد شد:

۱. راه‌اندازی سامانه ثبت‌نام و انتخاب مسیر عضویت، شامل ارائه اطلاعات شفاف، شبیه‌سازی

سناریوهای بازنشستگی، و امکان مقایسه میان گزینه‌ها

۲. طراحی بسته‌های خدماتی تفکیک‌شده در لایه‌های مختلف، همراه با تعهدات مالی و حقوقی مشخص

۳. آموزش و استقرار مشاوران در مراکز کارفرمایی، شرکت‌های تابعه و دفاتر منطقه‌ای صندوق

۴. ایجاد داشبورد مدیریت تجربه اعضای پایلوت برای رصد مستمر رضایت، رفتار انتخاب، الگوهای پرداخت و تعامل با خدمات

۵. فعال سازی ساز و کار کارگزاری جهت تسهیل و تسریع فرایند جذب عضو

۶. مستندسازی کامل فرآیند، از مرحله اطلاع‌رسانی تا ثبت‌نام، استفاده از خدمات، و ارزیابی نهایی

نظام پایش این پایلوت، شامل مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی عملکرد (KPI) در پنج حوزه خواهد بود:

- مشارکت و ثبت‌نام اعضا
- رضایت‌مندی و ادراک از مدل جدید
- پایداری مالی و سطح منابع ورودی در هر لایه
- اثربخشی خدمات ارائه‌شده
- میزان انطباق رفتار اعضا با پیش‌بینی‌های طراحی

همچنین، همکاری با نهادهای دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی برای تحلیل داده‌های پایلوت و ارزیابی مستقل آن، در دستور کار قرار دارد. گزارش‌های دوره‌ای از عملکرد پایلوت، به‌صورت عمومی منتشر و در اختیار وزارتخانه، مرکز پژوهش‌های مجلس و سایر ذی‌نفعان قرار خواهد گرفت.

در پایان دوره آزمایشی، مجموعه‌ای از اصلاحات پیشنهادی، بر اساس یافته‌های میدانی، تدوین و آماده خواهد شد تا مسیر تعمیم تدریجی مدل، با دقت، اجماع و واقع‌بینی بیشتری ادامه یابد. تجربه این پایلوت، نه‌تنها الگویی برای آینده صندوق، بلکه منبعی ارزشمند برای سایر صندوق‌ها و سیاست‌گذاران ملی در مسیر اصلاح ساختاری نظام بازنشستگی کشور خواهد بود.

۳-۴. گفتمان‌سازی، اجماع‌سازی و اقناع نهادی پیرامون الگوی پیشنهادی

اصلاحات ساختاری در نظام‌های بیمه‌ای، به‌ویژه زمانی که به بازتعریف معماری پوشش‌ها و تعهدات می‌پردازند، تنها با اقدام اجرایی به نتیجه نمی‌رسند. آن‌چه موفقیت یک الگو را تضمین می‌کند، پذیرش ذهنی و نهادی آن از

سوی سه گروه کلیدی است: جامعه ذی‌نفعان، نخبگان سیاست‌گذار، و مجریان میانی. به همین دلیل، گفتمان‌سازی و اقناع نهادی، نه یک اقدام جانبی، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند استقرار نظام چندلایه در صندوق آینده‌ساز خواهد بود.

از منظر اجتماعی، ایجاد درک مشترک از منطق الگوی چندلایه (یعنی انتخاب‌پذیری، تنوع‌پذیری و تفکیک مسئولیت‌ها) نیازمند زبان ساده، روایت‌های ملموس، و بازنمایی روشن منافع برای گروه‌های مختلف است. در این راستا، تولید محتوای چندرسانه‌ای، طراحی کمپین‌های اطلاع‌رسانی، برگزاری نشست‌های محلی و گفت‌وگوهای مستقیم با اعضا، ابزارهای اصلی جلب همراهی عمومی خواهند بود. تلاش خواهد شد تا مفاهیم فنی نظیر «لایه پایه»، «پوشش مکمل»، یا «حق‌بیمه متناسب» از قالب انتزاعی خارج و به مثال‌های واقعی و قابل لمس تبدیل شوند.

در سطح سیاست‌گذاری، صندوق آینده‌ساز از ابتدا مسیر تحول را در تعامل و مشورت با نهادهای کلیدی همچون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، و نهادهای ناظر پیش می‌برد. گزارش‌های سیاستی، جلسات کارشناسی، همایش‌های تخصصی، و ارائه تجربیات پایلوت به صورت منظم، به ایجاد اجماع نهادی پیرامون الگوی پیشنهادی کمک خواهد کرد.

از سوی دیگر، در سطح اجرایی، همراه‌سازی مدیران میانی، نمایندگان کارفرمایان، رابطان صندوق و کارشناسان مستقر در شرکت‌ها اهمیت مضاعف دارد. این افراد، نه تنها مجریان خط مقدم مدل جدید هستند، بلکه انتقال‌دهندگان ذهنیت صندوق به بدنه اعضا محسوب می‌شوند. طراحی برنامه‌های آموزشی، انتشار راهنماهای تخصصی، و ایجاد شبکه‌های یادگیری تجربی، بخشی از اقدامات مکمل برای تقویت این بدنه اجرایی خواهد بود. در نهایت، هدف از این گفتمان‌سازی، تثبیت الگوی چندلایه به عنوان یک انتخاب عقلانی، ملی و تدریجی است، نه تحمیل یک تغییر ناگهانی یا مقطعی. ایجاد احساس تعلق به مدل جدید، افزایش سرمایه اجتماعی صندوق، و فراهم‌سازی فضای گفت‌وگو میان بازیگران، پیش‌نیاز عبور موفق از پایلوت به فاز تعمیم خواهد بود. آینده‌ساز، در این مسیر نه تنها یک مجری، بلکه یک معمار گفتمان و حامل تجربه ملی خواهد بود.

۴. اقدامات اولویت‌دار یک سال آینده

برای تحقق گام‌های چهارگانه بسته تحولی «اصلاح نظام بیمه اجتماعی؛ تحقق نظام چندلایه»، مجموعه‌ای از اقدامات اولویت‌دار، مرحله‌بندی‌شده و با تعیین مسئولیت روشن، در دستور کار یک سال پیش‌رو قرار گرفته است. این اقدامات در سه فاز اصلی طراحی مفهومی و سیاستی، اجرای مقدماتی، و ارزیابی و تثبیت مدل سازمان‌دهی شده‌اند و به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که هم‌زمان زیرساخت‌های فکری، فنی و نهادی استقرار این الگو را فراهم آورند. در جدول زیر، کد هر اقدام به‌صورت **T2-GX-YY** تعریف شده که به‌ترتیب به بسته دوم (T2)، شماره گام (G1 تا G4) و ترتیب اقدام در آن گام اشاره دارد:

کد اقدام	عنوان اقدام	فاز اجرایی	بازه زمانی اجرا	مسئول اجرا	واحد همکار
T2-G1-01	تدوین سند طراحی نظام چندلایه بیمه اجتماعی و اخذ مصوبات لازم	طراحی مفهومی	سه‌ماهه دوم	معاونت امور بیمه‌ای	مدیریت برنامه‌ریزی و بودجه
T2-G1-02	تحلیل تطبیقی تجارب بین‌المللی و درس‌آموخته‌های بومی	طراحی مفهومی	سه‌ماهه دوم	معاونت امور بیمه‌ای	معاونت اقتصادی و تیم اکچوئری و مشاوران مستقل
T2-G1-03	برگزاری نشست کارشناسی با نهادهای ملی برای بررسی ساختار حقوقی	طراحی مفهومی	سه‌ماهه دوم	مدیریت حقوقی	معاونت امور بیمه‌ای
T2-G2-01	طراحی فرآیند انتخاب مسیر بیمه‌ای توسط عضو	اجرا و سامانه‌سازی	سه‌ماهه سوم	معاونت امور بیمه‌ای	معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی
T2-G2-02	تدوین و انتشار بسته‌های خدمات پایه و مکمل و رفاهی	اجرا و آماده‌سازی	سه‌ماهه سوم	معاونت امور بیمه‌ای	مدیریت روابط عمومی
T2-G2-03	راه‌اندازی سامانه انتخاب مسیر و اطلاع‌رسانی به اعضا	اجرا	سه‌ماهه سوم	مدیریت فناوری اطلاعات	مدیریت روابط عمومی
T2-G2-04	طراحی داشبورد پایش داده‌ها و ارزیابی عملکرد پایلوت	اجرا	سه‌ماهه سوم	معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی	مدیریت فناوری اطلاعات
T2-G2-05	تولید محتوای آموزشی و تبیینی برای گروه‌های هدف	اجرا	سه‌ماهه سوم	مدیریت روابط عمومی	معاونت امور بیمه‌ای
T2-G3-01	آغاز اجرای پایلوت عضویت داوطلبانه در نظام چندلایه	اجرا	سه‌ماهه چهارم	معاونت امور بیمه‌ای	مدیریت روابط عمومی

کد اقدام	عنوان اقدام	فاز اجرایی	بازه زمانی اجرا	مسئول اجرا	واحد همکار
T2-G3-02	تدوین چارچوب ارزیابی پایلوت و سنجش داده‌ها	ارزیابی	سه‌ماهه چهارم	معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی	تیم اکچوئری و مشاوران مستقل
T2-G3-03	تعامل نهادی با وزارتخانه، مرکز پژوهش‌های مجلس و نهادهای سیاست‌گذار	تثبیت همکاری	مستمر	مدیرعامل	مدیریت حقوقی
T2-G3-04	مستندسازی تجربیات و تدوین برنامه مرحله دوم اجرا	ارزیابی و توسعه	سه‌ماهه اول ۱۴۰۵	معاونت امور بیمه‌ای	مدیریت برنامه‌ریزی و بودجه
T2-G4-01	طراحی و اجرای بسته‌های رفاهی مکمل متناسب با گروه‌های درآمدی	اجرا	سه‌ماهه چهارم	معاونت امور بیمه‌ای	معاونت اداری و مالی
T2-G4-02	تدوین شاخص‌های کیفیت زندگی بازنشستگان و طراحی سامانه پایش	طراحی و اجرا	سه‌ماهه چهارم	معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی	معاونت امور بیمه‌ای
T2-G4-03	ارتقای انسجام خدمات درمان، بازنشستگی و رفاه اجتماعی	طراحی نهادی	سه‌ماهه چهارم	معاونت امور بیمه‌ای	مدیریت درمان

۵. نظام پایش و ارزیابی تحقق بسته تحولی

موفقیت هر برنامه اصلاح ساختاری، به‌ویژه در حوزه‌های چندبعدی و میان‌رشته‌ای مانند نظام چندلایه بیمه اجتماعی، در گرو استقرار یک سازوکار دقیق، مستمر و پاسخ‌گو برای پایش پیشرفت اقدامات و ارزیابی میزان تحقق اهداف راهبردی است. بسته تحولی «اصلاح نظام بیمه اجتماعی؛ تحقق نظام چندلایه» نیز نیازمند چنین نظامی است تا بتواند ضمن حفظ انسجام اجرایی، مسیر اجرا را به‌صورت پویا بازبینی و به‌هنگام اصلاح کند.

این نظام پایش، هم بر شاخص‌های کمی قابل سنجش و هم بر تحلیل‌های کیفی استوار است. در جدول زیر، برای هر یک از گام‌های اصلی بسته، خروجی‌های کلیدی، شاخص‌های قابل سنجش و ابزارهای ارزیابی مشخص شده‌اند. این شاخص‌ها به‌صورت فصلی و سالانه پایش می‌شوند و مبنای گزارش‌های عملکرد داخلی، بازخورد به تیم راهبری، و نیز ارتباط مستمر با نهادهای نظارتی و ذی‌نفعان قرار خواهند گرفت:

گام	خروجی کلیدی	شاخص قابل سنجش	ابزار سنجش
-----	-------------	----------------	------------

بسته دوم تحول: «اصلاح نظام بیمه اجتماعی؛ تحقق نظام چندلایه»

طراحی نظام چندلایه	تدوین سند طراحی، الگوی حقوقی و چارچوب سیاست گذاری	میزان تکمیل اجزای سند طراحی، تعداد جلسات سیاستی برگزار شده	گزارش‌های جلسات، خروجی مشاوران، نسخه نهایی سند طراحی
اجرا و اطلاع‌رسانی پایلوت	پیاده‌سازی مرحله‌ای پایلوت عضویت داوطلبانه	تعداد اعضای ثبت‌نام‌شده، تنوع گروه‌های شغلی، میزان استفاده از سامانه انتخاب مسیر	آمار ثبت‌نام، گزارش عملکرد سامانه، داده‌های تحلیل رفتار کاربر
گفتمان‌سازی و تولید محتوا	افزایش سطح آگاهی عمومی و مقبولیت اجتماعی مدل	بازدید و تعامل با محتواهای رسانه‌ای، شاخص‌های ادراک در نظرسنجی	لاگ سامانه‌ها، آمار رسانه‌ها، تحلیل نظرسنجی‌های فصلی
ارزیابی عملکرد پایلوت	سنجش اثربخشی اجرای اولیه و میزان انطباق با اهداف	میزان تطابق میان طراحی و اجرا، میزان رضایت اعضای پایلوت	مصاحبه‌های عمقی، گزارش ارزیابی مشاوران، تحلیل داده‌های عضویت
یکپارچه‌سازی خدمات رفاه اجتماعی	استقرار سازوکار مکمل خدمات رفاهی و درمانی	تعداد بسته‌های طراحی شده و اجرا شده، میزان استفاده اعضا	گزارش‌های اجرایی، داده‌های ثبت‌نام، پایش شاخص‌های کیفیت زندگی
تعامل با نهادهای بالادستی	افزایش حمایت نهادی برای اجرای ملی مدل	تعداد جلسات و تفاهم‌نامه‌ها، مشارکت کارشناسان دولت و مجلس	صورت‌جلسات تعاملات، برنامه همکاری مشترک، گزارش مکاتبات رسمی

نظام ارزیابی این بسته، تنها به بررسی تحقق کمی اقدامات محدود نمی‌شود، بلکه با استفاده از ابزارهایی مانند نظرسنجی‌های دوره‌ای، گروه‌های کانونی، تحلیل تجربه زیسته ذی‌نفعان و گزارش‌های مستقل مشاوران اکچوئری و بیمه اجتماعی، امکان ارزیابی عمیق‌تری از کیفیت پیاده‌سازی مدل فراهم خواهد شد.

این چارچوب پایش، به صندوق آینده‌ساز کمک خواهد کرد تا ضمن حفظ مسیر اجرای برنامه تحولی، در مواجهه با چالش‌های اجرایی انعطاف‌پذیر باشد، از یادگیری در حین عمل بهره بگیرد، و اعتبار نهادی خود را نزد ذی‌نفعان و سیاست‌گذاران تقویت کند.

۶. جمع‌بندی

طراحی و استقرار نظام چندلایه بیمه اجتماعی در صندوق آینده‌ساز، پاسخی استراتژیک و آینده‌نگر به دو پرسش بنیادی است: چگونه می‌توان تعهدات صندوق را با ظرفیت واقعی منابع آن متوازن ساخت، و هم‌زمان پوشش مؤثر، متنوع و کرامت‌محور برای نسل‌های مختلف اعضا فراهم آورد؟ این بسته، با بهره‌گیری از تجربه‌های جهانی، تحلیل وضعیت موجود، و با تکیه بر قابلیت‌های نهادی صندوق، تلاشی است برای عبور از الگوی تک‌لایه، ناکارآمد و فرسوده گذشته، و حرکت به‌سوی مدلی منعطف، عادلانه و مشارکت‌پذیر.

مدل پیشنهادی نه بر گسستن از گذشته، بلکه بر «تکامل ساختار موجود» استوار است، به گونه‌ای که حقوق و انتظارات اعضای فعلی حفظ شود، در عین حال مسیر جدیدی برای جذب، پوشش و تعامل با اعضای جدید، داوطلبان طرح‌های مکمل و گروه‌های متنوع شغلی فراهم گردد. صندوق آینده‌ساز با این الگو، می‌کوشد به نهادی یادگیرنده، قابل اعتماد، و همراه با اقتضائات نسل‌های جدید تبدیل شود.

در سال یک سال پیش‌رو، این مسیر با اجرای مجموعه‌ای از اقدامات کلیدی آغاز می‌شود: تدوین سند طراحی، اجرای پایلوت عضویت داوطلبانه، راه‌اندازی ابزارهای تحلیل داده و شفافیت، گفتمان‌سازی اجتماعی، و طراحی بسته‌های خدمات رفاهی مکمل. این اقدامات نه تنها زمینه‌ساز اجرای موفق مدل چندلایه در صندوق خواهند بود، بلکه می‌توانند بستری برای گفت‌وگوی ملی پیرامون اصلاح معماری کلان نظام تأمین اجتماعی کشور فراهم کنند. در افق میان‌مدت، آینده‌ساز می‌تواند به پایلوت ملی مدل چندلایه تبدیل شود—پایگاهی برای تدوین قواعد جدید، آزمون سیاست‌ها، و خلق الگویی بومی برای تحول در سایر صندوق‌های بازنشستگی. موفقیت این تجربه، مستلزم همراهی نهادهای بالادستی، میدان‌داری کارشناسان مستقل، و گفت‌وگوی شفاف با جامعه ذی‌نفعان است. در نهایت، اگر این مسیر با صداقت، تدبیر و پشتوانه گفتمانی طی شود، صندوق آینده‌ساز نه تنها الگویی برای پایداری مالی، بلکه نمونه‌ای برای عدالت ساختاری، اعتماد نهادی و حکمرانی شایسته خواهد بود، صندوقی که نه تنها پرداخت می‌کند، بلکه همراه، هم‌صدا و نماینده کرامت بازنشستگان است.